

The Position of Experimental Method in Medical Ethics Methodology

Davami M¹, Dezhkam L², Abbaszadeh Jahromi M^{3*}

¹Associated professor, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran

²Assistant professor, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran

³Assistant professor, Department of Literature and Humanities, Jahrom University, Jahrom, Iran

Abstract

Verdict extraction method and responding to the problems of a field of science is undertaken by the methodology of the same science. Various methodologies have been presented in order to explain medical ethics in the European and American universities, one of which being the experimental method. At the time, the considerable question is that "could this method be used in medical ethics methodology in Islam?" Explanation of this method and its position to extract and presume the considered verdicts and laws from viewpoint of Islam have been analyzed in this article. In this library, descriptive study, efforts were made to clarify the role of experimental method in medical ethics methodology after explaining this method and determining its position in extraction of medical laws and verdicts. The study results showed that methodology in experimental science is based on elements, such as observation, classification of discussing tasks and accidents, theory, experience, and induction. Although this method is useful and meets some human demands, it is not able to provide its ideals in the field of medical ethics, which is responsible to explain the dos and don'ts of the field of medicine. However, in case the findings of this methodology could be proved by rational reasoning, it will have a role in medical ethics methodology. According to the current study findings, medical ethics methodology in Islam is based on resources, such as Quran, tradition, wisdom, and unanimity. Therefore, only the experimental method findings, which have been rationally proved, will be useful in this methodology. Experimental methodology could also be used to specify the verdicts in medical ethics.

Keywords: Medical ethics, Experimental methodology, Theory, Methodology, Islam

Sadra Med Sci J 2015; 3(3): 221-226

Received: Jan. 10th, 2015

Accepted: Jun. 25th, 2015

* Corresponding Author: **Abbaszadeh Jahromi M.** Assistant professor, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran, m_abas12@yahoo.com

مجله علمی علوم پزشکی صدرا

دوره ۳، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۲۲۱ تا ۲۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۰۴ تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۰

مقاله کوتاه
(Short Communication)

جایگاه روش تجربی در متدولوژی اخلاق پزشکی

محمد حسن دوامی^۱، لطف اله دژکام^۲، محمد عباس زاده جهرمی^{۳*}

^۱دانشیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

^۲استادیار، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

^۳استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران

چکیده

روش استخراج احکام و پاسخ به مسائل یک علم، بر عهده متدولوژی آن علم است. به منظور تبیین متدولوژی اخلاق پزشکی در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، روش‌های مختلفی ارائه شده که یکی از آنها روش تجربی است. حال این سؤال قابل طرح است که «آیا از این روش می‌توان در متدولوژی اخلاق پزشکی در اسلام استفاده کرد؟» تبیین این روش و جایگاه آن در استخراج احکام و قوانین مطرح در اخلاق پزشکی از منظر اسلام در این مقاله مورد واکاوی و تحقیق قرار گرفته است. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی صورت پذیرفته است. پس از تبیین روش تجربی و جایگاه آن در استخراج قوانین و احکام پزشکی، سعی بر آن است که نقش آن در متدولوژی اخلاق پزشکی روشن گردد. یافته‌های این مطالعه نشان داد که روش تحقیق در علوم تجربی مبتنی بر ارکانی چون مشاهده، طبقه‌بندی امور یا حوادث مورد بحث، فرضیه، تجربه و استقراست. استفاده از این روش، گرچه در جای خود مفید و برآورنده برخی از نیازهای انسانها بوده است، اما در حیطه اخلاق پزشکی - که عهده‌دار تبیین بایدها و نبایدهای مرتبط با حوزه پزشکی است - نمی‌تواند تأمین‌کننده آرمان‌های آن باشد. اگر یافته‌های این روش را بتوان با دلیل عقلی به اثبات رساند، در متدولوژی اخلاق پزشکی اسلامی نقشی خواهد داشت. از یافته‌های این مطالعه نتیجه می‌شود که متدولوژی اخلاق پزشکی در اسلام مبتنی بر منابع حجیت - کتاب، سنت، عقل و اجماع - است لذا صرفاً آن قسم از یافته‌های روش تجربی که به مدد عقل اثبات گردد، در این متدولوژی قابل استفاده خواهد بود. از روش تجربی می‌توان برای تنقیح موضوعات احکام در اخلاق پزشکی بهره جست.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، روش تجربی، فرضیه، متدولوژی، اسلام.

* نویسنده مسئول: محمد عباس زاده جهرمی، استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران. m_abas12@yahoo.com

مقدمه

احکام متفاوتی پیدا می‌کند و متأسفانه ارائه الگویی جامع و مقبول همه امکان‌پذیر نیست. در این مقاله به دنبال تبیین جایگاه روش تجربی در متدولوژی اخلاق پزشکی و درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که «با توجه به اینکه اخلاق پزشکی دانشی است در حوزه علوم انسانی، از روش تجربی چگونه می‌توان در متدولوژی این دانش بهره جست؟» این روش به عنوان یکی از متدهای پذیرفته شده اخلاق پزشکی در مجامع علمی دنیا مطرح و بررسی شده است (۵)؛ در این مقاله سعی بر آن است که بر مبنای دیدگاه اسلامی جایگاه آن را مورد مذاقه و سنجش قرار دهیم. قبل از پاسخ به سؤال فوق لازم است بر این روش نگاهی اجمالی داشته باشیم. روش تحقیق در علوم تجربی مثل فیزیک، شیمی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی به طور کلی تحت عنوان روش تجربی مشهور است که در طی فرآیند زیر انجام می‌پذیرد (۶): ۱- تنظیم مسأله، ۲- تدوین فرضیه، ۳- آزمون فرضیه، ۴- تحلیل آماری، ۵- تعمیم نتایج و پیش‌بینی و ۶- تدوین تئوری. برخی ادعا کرده‌اند که قیاس نیز به عنوان یک مرحله از مراحل روش تجربی است که به نظر می‌رسد این مرحله در این روش جایگاه ندارد و در روش منطقی یا ریاضی از آن استفاده می‌شود (۷). پژوهش‌گر پس از دقت در مشاهدات و طبقه بندی، چیزی را از جانب خود بر نظم حاکم بر مسأله مورد آزمایش می‌افزاید که به حواس نمی‌آید و شاید هیچ‌گاه هم محسوس نشود که به آن فرضیه می‌گویند. فرضیه گاهی مربوط به علت امر مشاهده شده و گاهی ناظر به روابط ثابت میان امور مشهود است. تعمیم‌بخشی بوسیله استقرا محقق می‌شود. استقرا به ما کمک می‌کند تا از امر معین جزئی به قانون کلی برسیم و مرکب از دو عمل است: یافتن امری که با امر ملحوظ، مناسبات منظم و ثابت داشته باشد. (علت آن تعیین شود) و برقراری قانون کلی بوسیله تعمیم نتیجه‌ی آزمایش. اگر پس از انجام استقرا صحت و سقم قانون کلی به کمک دلیل عقلی مدلل شود، متد مسأله از روش تجربی خارج شده و به روش عقلی هم اثبات گردیده است.

تعاریف مختلفی برای اخلاق پزشکی ارائه شده است (۱)؛ می‌توان به طور خلاصه آن را علمی دانست که علاوه بر اینکه مفاهیم اخلاقی مورد نیاز پزشکی را تبیین می‌کند، دستورات، آداب و رفتار صاحبان مشاغل گروه پزشکی را نیز مشخص می‌نماید. یکی از رسالت‌های مهم هر علمی، ارائه روش استخراج و استنباط مسائل مطرح در آن علم است که متدولوژی آن علم، این مهم را به دوش می‌کشد (۲). گرچه هر علمی روش خاص خود را دارد، اما می‌توان گفت که قواعد ارائه شده توسط دکارت، به عنوان مبنای همه روش‌های مطرح در غرب پذیرفته شده است (۳). روش‌های مختلفی در تبیین متدولوژی اخلاق پزشکی در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا ارائه شده است. بعضی از آنها عبارت است از (۴):

- توجه به استانداردها و سنت پزشکی (Medical tradition and practice standards)
 - مبانی، اخلاق عمومی و اخلاق خصوصی (Principles, Common morality, and) (Specification)
 - تئوری اخلاقی مبنای احکام اخلاق (Ethical theory as the basis of an applied ethics)
 - روش تمثیلی (Casuistry (Case-based reasoning))
 - روش دینی-کلامی (Religious and) (theological method)
 - روش حقوقی (Legal method)
 - روش اقتصادی (Economic method)
 - روش تجربی (Empirical (Experimental) method)
- مهمترین مشکل روش‌های فوق ناسازگاری آنان با یکدیگر است؛ چرا که حکم و دستور اخلاقی ناشی از هر یک از این روش‌های فوق با دیگر روش‌ها متفاوت است. این تهافت و تعارض به گونه‌ای است که یک مسأله از نگاه‌های مختلف

مهمترین نقش روش تجربی در متدولوژی اخلاق

پزشکی

مهم‌ترین کارایی روش تجربی در برآورد و سنجش میزان کارآمدی مداخلات مؤثر فرض شده در زمینه‌های نظری است. زمانی که محققین با این گونه سؤالات مواجه می‌شوند که «آیا راهکارهای اخلاقی ارائه شده بر عمل بالینی تأثیر بسزایی داشته‌اند؟» یا اینکه «آیا راهنمایی‌های ارائه شده توسط کادر پزشکی بر نتایج بالینی مؤثر افتاده است؟» آنان می‌توانند با بهره‌گیری از روش تجربی تحقیقی را پایه‌گذاری کنند تا پاسخ قانع‌کننده‌ای بر این گونه سؤالات ارائه نمایند (۸). رسالت حقیقی متدولوژی اخلاق پزشکی، تبیین روش استنباط بایسته‌ها و قوانین اخلاقی از طرفی و روش تطبیق آنها بر موارد مبتلابه و کنترل مشکلات و چالش‌ها هنگام پیاده‌سازی آنها از طرف دیگر است. اما روش تجربی می‌تواند در تکمیل و متمیم این دو نقش مهم متدولوژی کاربرد خود را نشان دهد. در حقیقت تحقیقات تجربی در این میان برای دو دسته مفید خواهد بود: الف- محققین این رشته که با انجام این گونه آزمایش‌ها به کارآمدی راهکارهای اخلاقی و نظری ارائه شده و ارتقای آنها کمک می‌کنند. ب- تئوریسین‌های اخلاق پزشکی که با استفاده از نتایج مطالعات انجام شده، بینش خود را وسعت می‌دهند و دقت آنها افزایش می‌یابد. این مهم ممکن است تا بدانجا ادامه یابد که طراحی صحیح مطالعه‌ای مداخله‌ای، تئوری اخلاقی را به چالش کشاند و تئوریسین‌های این رشته را به بازنگری در نظریات خود وادارد.

در این میان روش مداخله‌ای (Intervention Method)، مهم‌ترین نقش را می‌تواند در ارائه و واکاوی نظام اخلاقی ارائه شده ایفا نماید و از طرفی آن را کاربردی نماید و از طرف دیگر بازخورد آن را بر ارائه خروجی‌های مطلوب مورد مذاقه و سنجش قرار دهد. محقق در روش مداخله‌ای در طول تجربه و آزمایش مسأله مورد مطالعه، موضوعات قابل کنترلی را فرض می‌کند که مداخله‌ای را دریافت نموده‌اند و آنها را با

موضوعات قابل کنترلی که مداخله را دریافت نکرده‌اند مقایسه می‌کند و سعی می‌کند تا حد امکان، دیگر علل ایجاد تفاوت بین مداخله و گروه‌های کنترل نادیده پندارد (۹). به آن دسته از مطالعات تجربی در تحقیقات بالینی، که مداخلات پیشرفت سلامت یا تغییر اعمال بالینی را می‌آزمایند، آزمایش‌های بالینی (Clinical trails) گفته می‌شود.

روش تجربی و استنباط حکم در متدولوژی اخلاق

پزشکی

متدولوژی اخلاق پزشکی از منظر آیین اسلام^۱، مبتنی بر منابع حکم الهی (قرآن، سنت، عقل و اجماع) است. لذا تا حکمی به یکی از این منابع مستند نشود، حکم منسوب به این آیین نخواهد بود. با واکاوی نتایج حاصل از تحقیقات انجام گرفته به روش تجربی می‌توان آنها را به سه حوزه تقسیم نمود (۱۰): الف- برخی از آنها به گونه‌ای به کمک حس و تجربه به اثبات رسیده‌اند که عقل سلیم در قبول آنها هیچ‌گونه شک و تردیدی ندارد. ب- برخی از آنها از سنخ آرا و نظریات متفکران، محققان و دانشمندان علوم تجربی است. ج- برخی از آنها صرفاً حاصل فرضیه، تجربه و استقرای ناقص چند مورد آزمایش است. در بین سه دسته فوق، فقط قسم اول به جهت همراهی حکم عقل با آن، می‌تواند مورد استناد در اخلاق پزشکی و منبع استنباط حکم اخلاقی اسلامی باشد. در حقیقت این دسته از نظریات برخلاف دسته سوم، پا را از مرتبه فرضیه بالاتر گذاشته و به کمک عقل (و به روش قیاس منطقی) اثبات شده‌اند، لذا می‌توانند منبع حکم اخلاقی باشند. دسته دوم و سوم گرچه در جای خود و در مباحث علوم تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرند اما در تبیین و اثبات حکم اخلاق پزشکی نمی‌تواند ایفای نقش نمایند. نکته‌ی قابل توجه در

^۱ نویسندگان مقاله، روش استنباط را در این روش با الگوگیری از روش متعالیه ملاصدرا، در مقاله‌ای تحت عنوان «روش متعالیه در اخلاق پزشکی» تبیین و سعی کرده‌اند که در آن، هماهنگی بین رشته‌های مختلف فقه، اصول، اخلاق، فلسفه و حقوق اسلامی را به تصویر کشند.

تفاوت حکم و موضوع، در این بخش لازم به نظر می‌رسد. احکام و بایسته‌های اخلاقی و فقهی به دو دسته تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شوند. احکام تکلیفی آن دسته احکامی هستند که بدون واسطه به افعال انسان در حیطه‌های مختلف زندگی تعلق می‌گیرد و عبارتند از: وجوب، حرمت، اباحه، ندب و کراهت (۱۲). احکام وضعی به صورت مستقیم جهت‌دهنده افعال انسان نیستند؛ اما لازمه آنها احکام تکلیفی است یا اینکه خود موضوع احکام تکلیفی قرار می‌گیرند. برخی از اقسام آن عبارت است از: صحت، بطلان، حلال، حرام. این احکام طبق متدی خاص، برای موضوعات مختلف اثبات می‌شوند که چه بسا با تغییر موضوع، حکم نیز تغییر می‌نماید. چرا که گاهی موضوع حکم مقید است یا عناوینی از موضوع حکم استثنا شده‌اند، با تغییر قید یا بروز این عناوین، حکم نیز متناسب با آن مطرح خواهد شد. به عنوان مثال می‌توان به حکم استعمال دخانیات توجه نمود. استفاده از آنچه که به بدن انسان ضرر دارد در آیین اسلام ممنوع به شمار می‌رود. اگر استعمال دخانیات تحت عنوان امر مضر بدن قرار گیرد، ممنوع و در غیر این صورت، جایز خواهد بود. پزشک با روش تجربی می‌تواند در اثبات مضر بودن این مسأله به فقیه کمک شایانی نماید. وقتی ضرر داشتن دخانیات برای قلب و بدن انسان به صورت قطعی از منظر پزشکی اثبات گردید، فقیه از یافته‌های این رشته مدد می‌جوید و با استناد به آنها حکم حرمت این امور را صادر می‌نماید و در غیر این صورت این امور تحت عنوان مباح باقی خواهد ماند.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین خواستگاه روش تجربی در اخلاق پزشکی در طراحی مطالعات مداخله‌ای است که نتایج خود را در نقد و بازخوردسنجی از تئوری‌ها و چارچوب‌های ارائه شده اخلاقی در حیطه‌های مختلف نشان می‌دهد و ممکن است با طراحی دقیق و عملی مداخله‌ای، نظریه‌پردازان این حوزه را به بازنگری در تئوری‌ها و نظریات خود وادارد. روش

حیطه توانمندی روش تجربی که زمینه پاسخ‌گویی به پاره‌ای از سؤالات و اشکالات را فراهم می‌نماید آن است که اگر در تبیین مسأله‌ای صرفاً به روش تجربی بسنده گردد، نیافتن راه حل با این روش، دلیل بر نبودن نیست. توضیح آنکه روش عقلی، به دنبال یافتن علت یک رخداد و پدیده است که با از بین رفتن آن علت، پدیده هم رخت برمی‌بندد. اما در روش تجربی، روابط بین پدیده‌ها و تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر جستجو می‌شود که در این میان عوامل متعددی چون زمان آزمایش، محل آزمایش، دمای محیط، کیفیت مواد، وضعیت آزمایش‌شونده و... ممکن است بر این واکنش نقش داشته باشند که در غالب موارد از آنها چشم‌پوشی و به استقرای ناقص بسنده می‌شود. پس اگر در این میان روش تجربی جوابگو نبود، چه بسا مشکل اصلی ناتوانی در تبیین دقیق و صحیح روابط بین پدیده‌ها باشد. همچنین اگر به روش تجربی ارتباط بین دو پدیده تبیین گردید، تحقیق در این خصوص پایان نمی‌پذیرد؛ چرا که ممکن است پدیده سوم بر یکی یا هر دوی آنها تأثیر داشته و نقش آن مورد توجه و ارزیابی قرار نگرفته باشد. متد تحقیق ۱۳ درصد از مقالات ثبت شده در حوزه اخلاق پزشکی Pub med طی ۲۵ سال (۱۹۸۰-۲۰۰۵م) روش تجربی، بوده است. (۱۱) در نتیجه این آمار، سؤالی مطرح خواهد شد که: چرا روش تحقیق ۸۷ درصد از مقالات، غیرتجربی است؟ می‌توان چنین ادعا کرد که غالب محققین غربی هم پذیرفته‌اند که استفاده از روش تجربی برای استخراج و استنباط حکم اخلاقی، نمی‌تواند کافی و قانع‌کننده باشد؛ چون که احکام و آموزه‌های دینی، فرهنگی، تابو و امثال آنها ارتباطی با مسائل و روش تجربی ندارد و با روش خاص خود مورد بحث قرار می‌گیرند.

کاربرد روش تجربی در موضوع‌شناسی اخلاق پزشکی

در قسمت قبل با نقش روش تجربی در تبیین احکام اخلاق پزشکی آشنا شدیم. در این قسمت، نقش آن را در تبیین موضوعات احکام بررسی خواهیم نمود. لذا توجه به

5. Sugarman J and Sulmasy D. Methods in Medical ethics. Washington: Georgetown University Press, Second edition, 2010; P: 251-270.
6. Faramarz Gharamaleki A. Methodology in religious studies. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences 2001; 306-312. [Persian]
7. Siasi A. Philosophy Principles. Tehran: Companion of Published Educational Books. 1972; 294. [Persian]
8. Sugarman J, and Sulmasy D. Methods in Medical ethics. Washington: University Press, Second edition, 2010; P:251.
9. Sugarman J, and Sulmasy D. Methods in Medical ethics. Washington: University Press, Second edition, 2010; P: 252.
10. Mohseni, M. Al-Feghh Va Al-Masael-o-Al-Tebiah. Qom: Ahl-ol-Bayt Maaref Publication and Research Company; 35. [Persian]
11. Sugarman J, and Sulmasy DP. Methods in Medical ethics. Washington: University Press, Second edition, 2010; P: 22.
12. Sadr M. Doroos fi Elm-ol-ssol.Qom: Majma-ol-fekr-el-Eslami; 1: 162-16.

تجربی که با استفاده از فرضیه و آزمایش در حوزه علوم مختلف تجربی توانمندی‌های بسیاری دارد و به جامعه پزشکی در نیل به اهداف خود کمک بسیاری می‌کند، در استنباط احکام مطرح در حوزه اخلاق پزشکی نمی‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. تنها آن قسم از یافته‌های روش تجربی می‌تواند در متدولوژی استنباط احکام اخلاق پزشکی مثمر فایده باشد که بتوان آن را به کمک عقل اثبات کرد. روش تجربی می‌تواند در تبیین موضوعات حکم شرعی و اخلاق پزشکی نقش مهم و بسزایی ایفا کند و محققین این حوزه را در ارائه حکم صحیح موضوعات کمک نماید.

منابع

1. Larijani B. Health Care Professional and Ethical Issues, Vol1: Essentials of Medical Ethics. Tehran: Baray Farda. 2004; 16-17. [Persian]
2. Siasi A. Philosophy Principles. Tehran: Companion of Published Educational Books. 1972; 280. [Persian]
3. Descartes R. Speech in Method. Supplement to the vol. 1 of philosophy in Europe untitled "Descartes speech". [Persian]
4. Sugarman J and Sulmasy D. Methods in Medical ethics. Washington: Georgetown University Press, Second edition. 2010; P: 3-15.

Cite this article as:

Davami M, Dezhkam L, AbbaszadehJahromi M. The Position of Experimental Method in Medical Ethics Methodology. Sadra Med Sci J 2015; 3(3): 221-226.